

بسم الله الرحمن الرحيم

این هستی بزرگ و حیرت آور که حدی جلودار آن نیست کنجکاوی انسان را در هر زمانی برانگیخته است. انسان می خواست و میخواهد بداند این هستی چگونه پدیدار شد و کجا و چه وقت به پایان میرسد و چه قوانینی در بین نظام دقیق آن حکم فرماست.

دانشمندان بسیاری در طول دوره های طولانی تحقیقات زیادی راجع به این موضوع انجام داده اند و نظریه های بسیاری در این باره ارائه شده است . در قرن 19 اندیشه ی غالب این بود که هستی انتهایی ندارد و از موادی تشکیل شده که از ازل وجود داشته و تا ابد باقی می ماند.

این فکر نظر اصلی فلسفه ی مادی را تشکیل می داد که از ازلی و ابدی بودن وجود دفاع می کرد و در همان هنگام، بودن خالق برای این هستی را انکار می کرد.

فلسفه ی مادی فلسفه ای است که ماده را وجود مطلق می پندارد و هیچ چیز را جز این نمی پذیرد.

این فلسفه که در تاریخ متداوم بوده از زمان یونانیان وجود داشته و در قرن 19 قوی شده و شهرت یافت و به فلسفه ی مادی کارل مارکس منجر گردید.



مادی گرایان در فلسفه ی الحادی مهمترین فلسفه را هستی بی نهایت در نظر گرفتند. برای مثال فیلسوف مادی جورج بولیدز را می بینیم که در کتابش - مبادی اولیه برای فلسفه - می گوید هستی چیزی خلق شده نیست... واگر هستی مخلوق باشد پس ضروری است که از طرف خدا در یک لحظه آفریده شده باشد.

وقتی که بولیدز ظهور هستی و خلق شدنش را بر اساس همان نظریه ی هستی بی نهایت و ساکن که در قرن نوزده غالب بوده انکار می کند، چنین تصویری را داشته که نظریه ای را در حال ارائه دادن است که علم هم آن را

ثابت کرده است. ولی تکنولوژی و علم در قرن بیست توسعه ی بسیاری یافتند و نظریه ی هستی ساکن را نابود کردند و آن را از ریشه در آوردند و حال که ما در قرن 21 هستیم میدانیم که هستی بدایتی داشته است.

ما میدانیم هستی در نتیجه انفجاری عظیم خلق شده که فیزیک جدید آن را با مشاهده ها و حساب و کتاب ها و تجربه های بسیار ثابت کرده است.



و امروزه این حقیقت توسط تمام اقشار علم مورد قبول واقع شده و این اکتشافات در واقع انقلابی در علم محسوب می شود.

در سال 1929 دانشمند اختر شناس آمریکایی هابل در رصد خانه اش به اکتشافاتی دست یافت که از مهمترین اکتشافات تاریخ بود.

هنگامی که او با تلسکوپ عظیم در آسمان دقت میکرده است، متوجه می شود که ستاره ها نور قرمزی را می فرستند که به طور فرضی با دوری ستاره متناسب است و این بدان معنا بود که آن ستاره از ما دور می شود .

در مشاهدات هابل طیف های ستارگان به سمت رنگ قرمز متمایل می شدند و این بدین معنی بود که ستارگان به طور دائم از ما در حال دور شدن هستند و این کشف صدایی گسترده در علم پدید آورد.

هابل چیز مهم دیگری را نیز کشف کرد و آن این بود که ستارگان و کهکشان ها تنها از ما دور نمی شوند بلکه در بین خود نیز در حال دور شدن هستند پس در این هستی که اشیا در حال دوری از یکدیگر هستند فقط میتوانیم به این نتیجه برسیم که هستی توسعه و امتداد می یابد.

هستی هر چه توسعه بیاید فاصله ی اشیا هم از هم بیشتر و بیشتر می شود و این حقیقت قبل از هابل هم کشف شده است. در واقع آلبرت انشتین که از بزرگترین دانشمندان قرن بیستم به حساب می آید با حساب و کتاب هایی که در فیزیک نظری به دست آورده بود به نتیجه می رسد که هستی نمی تواند ساکن باشد ولی به دلیل این که با تفکر هستی ساکن مخالفت نکند که در آن موقع تفکر غالب بوده اکتشاف خودش را کنار گذاشت. بعد گفت که این رفتار بزرگترین اشتباهی بوده که مرتکب شده است.

حال میخوایم بدانیم هستی در حال گسترش است یعنی چه؟

تا وقتی که هستی ما در حال گسترده شدن است پس ما اگر به عقب برگردیم به عنوان نتیجه ای منطقی به این حقیقت دست می یابیم که هستی از یک نقطه آغاز تشکیل شده و محاسبه ها نشان داده تمام جسمی که از هستی پدیدار شده در این نقطه متمرکز شده بوده که حجمی معادل صفر داشته . تمام هستی از انفجار این نقطه پدیدار شده است.

به این انفجار که بدایت هستی را تشکیل داده انفجار بزرگ و به این نظریه ، نظریه ی انفجار بزرگ گفته می شود.

حقیقت این است که گفتن از حجمی معادل صفر گفته ای نظری است که علم برای این که بتواند مفهوم عدم و نیستی را تعریف کند _ که از خیال انسان فراتر است_ از تعبیر نقطه با حجم صفر استفاده می کند. در واقع مفهوم نقطه ای با حجم صفر یعنی همان نیستی یعنی این که هستی از نیست آفریده شده است.

این حقیقت بسیار بزرگ که علم در اواخر این قرن به آن رسیده، بیش از 14 قرن پیش به وسیله ی قرآن به ما بیان شده است.

« وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا يَاطُّرٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ »

و آسمان را به قدرت خود برافراشتیم و بی گمان ما [آسمان] را گستردهیم (47) الذاریات

نظریه ی انفجار بزرگ نشان داد که مواد موجود در هستی در کنار هم بودند سپس از هم گسسته شدند و این حقیقت را قرآن 14 قرن پیش زمانی که آگاهی های انسان از هستی بسیار کم بوده این گونه بیان کرده:

« أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ »

آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم آیا [باز هم] ایمان نمی آورند (30) الانبیاء

دانشمندان اخترشناسی که به فلسفه ی مادی معتقد بودند ، در برابر نظریه ی انفجار بزرگ مقاومت کردند و سعی کردند اندیشه ی هستی بی نهایت و ازلی را پایدار نگه دارند، اما نتوانستند.

رادینگتون یکی از فیزیکدانان مادی گرا می گوید: این نظریه که طبیعت ناگهانی ظهور کرده به نظرم شرم آور است.

فرد هویل – دانشمند انگلیسی- بیشتر از دانشمندان دیگر از نظریه ی انفجار بزرگ عصبی شد. او کسی بود که نظریه ی هستی مستقر و ساکن را ارئه داد. نظریه ای که شبیه نظریه های غالب در قرن نوزده بود و دقیقاً مخالف نظریه ی انفجار بزرگ بود.

طرفداران این نظریه مدت زمانی طولانی در برابر نظریه ی انفجار بزرگ مقاومت کردند **ولی علم برضد آن ها عمل کرد.**

در سال 1948 جورج گامو گفت: **اگر انفجار بزرگی وجود داشته پس ضروری است این انفجار تشعشعات نوری را از پس خود بر جای گذارد و نیز گفت که باید این تشعشعات در تمام نواحی هستی به طور مساوی وجود داشته باشد.**

این گفته خیلی زود ثابت شد.

در سال 1965 دو دانشمند به نام های "آرونو پنزیاس" و "رابرت ویلسون" این تشعشعات را هنگام یکی از آزمایشات خود کشف کردند و نام دورنمای انرژی تابشی (شعاع های هستی) را بر آن گذاشتند. زیرا مصدر آن زمین نبوده، بلکه در تمام هستی منتشر شده و نیز دریافتند که این تشعشعات، **تشعشعات بازمانده از دوره های اولیه ی انفجار بزرگ بوده است**. این کشف سبب شد که هر دو جایزه ی نوبل را دریافت نمایند.

در سال 1989 سازمان ناسای آمریکا ماهواره ای را برای به دست آوردن اطلاعات در مورد همین پرتوهای هستی به فضا فرستاد. این ماهواره که بر آن نام کوپ را گذاشتند، دارای دستگاه های به روز و حساسی بود و برای اندازه گیری تنها 8 دقیقه زمان نیاز داشت تا حرف "پنزیاس" و "ویلسون" را اثبات و تشعشعات باقی مانده از انفجار بزرگ را کشف کند.

این کشف (که به آن بزرگترین کشف آسمانی در طول قرن ها گفته شد) برهان و دلیلی بزرگ و واضح بر وقوع انفجار بزرگ بود.

دلیل مهم دیگر (درمورد وقوع انفجار بزرگ) مقدار هیدروژن و هلیم موجود در هستی است. در واقع مشخص شده که نسبت این دو گاز در حال حاضر با نسبتی که باید از آنها (با توجه به زمان فرضی سپری شده از انفجار بزرگ) وجود داشته باشد تطابق می کند.

دلیل دیگر بر وقوع انفجار بزرگ، وجود هیدروژن است. چرا که اگر هستی بدایتی نداشت، می بایست تمام هیدروژن به هلیم می سوخت.

تمام این دلایل واضح منجر به قبول عمومی نظریه ی انفجار بزرگ شد.

"فرد هویل" و "دنیس سیاما" که از نظریه هستی مستقر برای سالها دفاع کردند، در شرایط سختی افتاده بودند که از طریق تایید خود "سیاما" از نظریه ی انفجار بزرگ می توانیم آن را بفهمیم :

از نظریه ی هستی مستقر برای این که صحیح بوده دفاع نکردم، بلکه به دلیل "رغبت خودم برای صحیح بودنش" از آن دفاع کردم. اما بعد از این که دلایل تراکم مشخص شد برای ما نیز تبیین گشت که بازی تمام شده و باید نظریه ی هستی مستقر را رها کرد.

پروفوسور جورج آبل از دانشگاه کالیفرنیا به پیروزی نهایی نظریه ی انفجار بزرگ اشاره می کند و می گوید:

دلایل موجود در حال حاضر به این نکته اشاره می کند که هستی میلیارد ها سال قبل، از انفجار بزرگی نشأت گرفته است. به همین دلیل دیگر برای ما چاره ای نمانده جز قبول "نظریه ی انفجار بزرگ".

با پیروزی این نظریه مفهوم ماده ی ازلی از بین رفت و مفهومی که اساس نظریه ی مادی را تشکیل می داد به جزئی از تاریخ پیوست .

اما سوال این است که چه چیزی قبل از انفجار بزرگ وجود داشته و چه کسی است که هستی را از نیستی آفریده است؟

بدون شک این سوال حقیقتی فلسفی را به ذهن انسان می آورد، همانگونه که "ادینگتون" در مورد آن گفت که حقیقتی شرم آور برای یاران فلسفه ی مادی بوده، زیرا که به وجود خالق برای این هستی اشاره می کند.

فیلسوف ملحد معروف "انتونی فلو" در این باره می گوید :

اعتراف از جهت نفسانی به نفع انسان است، و من اعتراف می کنم که قطعاً انفجار بزرگ چیزی بسیار شرم آور برای ملحدان بوده است. زیرا که علم، اندیشه ای را اثبات کرد که کتاب های دینی از آن دفاع می کردند. این اندیشه که هستی بدایتی داشته است.

#####

بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را باور کن (عجایب پس از انفجار)

جورج گرین اشتاین می نویسد: هر بار که در دلایل دقت کردیم همواره با همان حقیقت رو به رو شدیم ، و آن این است که نیروی فراتر از طبیعت در پیدایش این هستی دخالت داشته است.

به استثنای کسانی که به الحاد به شکلی کورکورانه متمسک هستند، دانشمندان اکنون این را می پذیرند که هستی خالق دارد، با قدرتی پایان ناپذیر. خالق که هم ماده و هم زمان را آفرید و از هر دوی آن ها منزّه است (به عبارتی دیگر از زمان و مکان منزّه است).

فیزیک دان آمریکایی هوگ روس می گوید: اگر ماده و زمان با هم در نتیجه ی انفجار بزرگی پیدا شده باشند پس بر به وجود آورنده ی زمان و مکان لازم است که مستقل از آن دو باشد، و این به ما نشان می دهد که خالق، از همه ی ابعاد و اندازه گیری ها فراتر است.

انفجار بزرگ با فرو پاشی نقطه ای آغاز شد که ماده در آن متمرکز شده بود، آن هم با سرعتی بسیار زیاد. این ماده همه جا گسترده شد و کهکشان ها، ستارگان، خورشید، دنیا و تمام اجرام آسمانی را به صورت متوازن و دارای نظامی زیبا آفرید. علاوه بر این قوانینی شکل گرفت که انسان آن قوانین را فیزیک نامید. قوانینی که در همه جای هستی معتبر است و از زمان ظهورش قبل از 15 بلیون سال تغییر نکرده و نظامی دقیق به وجود آورده که اگر تنها 1 میلی متر نظم آن به هم بخورد، همه چیز دچار اختلال می شود.

ما می دانیم انفجارها فقط خرابی به باور می آورند و نظام اولیه را مختل می کنند . حال اگر ببینیم که پس از انفجاری نظامی دقیق بر جای مانده، معنای آن این است **که پشت آن دخالتی غیر معمول و فوق طبیعی وجود داشته**، دخالتی که تمام ذرات ماده ای پراکنده را تحت سیطره ای زیبا و در بین نظامی هماهنگ و متوازن جمع کرده است.

”فرد هویل“ که سال ها نسبت به نظریه ی انفجار بزرگ (بیگ بنگ) اعتراض کرد، نهایتاً این موضع را پذیرفت و گفت: نظریه ی انفجار بزرگ می گوید که هستی در نتیجه ی انفجاری بزرگ شکل گرفته ، ولی ما میدانیم که هر انفجاری ماده را پراکنده می کند آن هم بدون هیچ نظمی، ولی بیگ بنگ عکس این را انجام داد، به شکلی که بر از راز است. یعنی این که ماده را با هم برای تشکیل کهکشان ها جمع کرد.

و شکی نیست که اگر نظامی دقیق در نتیجه ی بیگ بنگ رخ داده باشد، پس باید دخالتی الهی در هر لحظه از لحظات این انفجار بزرگ موجود باشد. از طرف دیگر پیدایش زمین بسیار شگفت انگیز است؛ سیاره ای که مناسب زیستن است و غیر ممکن است که همه شرایط لازم برای قابل حیات بودن سیاره ی ما در نتیجه ی تصادفات پراکنده باشد.

فیزیک دان نظری پروفیسور ”پاول دیویس“ تحقیقاتی در زمینه ی سرعت پراکنده شدن هستی انجام داد و فهمید که این سرعت به اندازه ای دقیق است که عقل آن را باور نمی کند. او میگوید: محاسبات نشان می دهد که سرعت گسترده شدن هستی در سیری حرکت می کند که باورش سخت است، به نحوی که اگر گسترده شدن هستی ذره ای آهسته تر از سرعت فعلی آن بود، به سمت خرابی داخلی در نتیجه ی جاذبه می رفت و اگر این سرعت ذره ای بیشتر از سرعت فعلی آن بود، ماده ی هستی و خود هستی پراکنده می شد. و اگر سرعت انفجار از سرعت فعلی به اندازه ی ”یک به روی ده به توان هیجده“ (0.000000000000000000) متفاوت بود، این کافی بود تا توازن لازم مختل گردد. پس انفجار بزرگ انفجاری معمولی نیست بلکه کاری حساب شده از تمامی جهات و بسیار منظم است.

”استیفان هاوکینگ“ فیزیک دان مشهور در کتاب تاریخ مختصر زمان می گوید: توازن های موجود در هستی بر اساس محاسباتی دقیق بنا شده و فراتر از آن است که ما توان درک آن را داشته باشیم. و در مورد سرعت گسترش هستی می گوید: سرعت گسترش هستی بسیار باور نکردنی است، تا اندازه ای که اگر در ثانیه ی اول انفجار، این سرعت از ”یک به روی ده به توان پانزده“ (0.000000000000000001) کمتر بود هستی به دور خود خراب می شد، قبل از این که به وضع امروزی اش برسد.

”پاول دیویس“ توازن لازم این هستی را شرح می دهد و می گوید: **بسیار سخت است که عقل مدرکی را انکار کند که بنیه ی این هستی را آفریده و مبتنی بر محاسبات بسیار حساس است. این ارقام بسیار دقیق که در اصل موازنات هستی وجود دارد دلیلی بسیار قوی بر وجود تصمیمی در ضمن هستی است.**

در مورد این حقیقت دانشمند اختر شناس "جورج گرین اشتاین" می نویسد: **هر بار که در دلایل دقت کردیم همواره با همان حقیقت رو به رو شدیم که قدرتی دانا و فوق طبیعی در پیدایش این هستی دخالت داشته است.**

اگر ما در نظام دقیق هستی تأمل کنیم می بینیم که پیدایش هستی و توازن موجود و عمل منظم آن خیلی پیچیده است، به نحوی که نمی توان با تصادفات توصیفش کرد.

بدین معنا که کاملاً غیر ممکن است پیدایش تمام این نظام دقیق و توازن حساس آن در پشت انفجاری حیرت آور، در نتیجه ی تصادفاتی کورکورانه باشد.

و پیدایش این نظام بعد از انفجاری بزرگ غیر ممکن است مگر در نتیجه ی خلقتی با نیروی ماورای طبیعت.

این نظام دلالت بر وجود خالق دارد که هستی را از نیستی آفرید و خلقتش را با تمام دقت نظم بخشید و او الله، پروردگار جهانیان است.

و صلی الله علی خاتم انبیاء و المرسلین و الحمد لله رب العالمین و لا اله الا هو الرحمن الرحیم

<http://www.tabesh.net>